****

****

**عنوان:**

**حدود مسئولیت وکلای متعدد**

**استاد راهنما:**

**جناب آقای سام محمدی**

**تاریخ تحقیق:10/3/99**

**تهیه کننده: حامد آدینه پور**

**شماره دانشجویی:9852314101**

**درس مربوطه: آیین دادرسی مدنی 1**

**رشته و مقطع: ترم 2 ارشد حقوق خصوصی**

**بهار 99**

**چکیده:**

عقد وکالت یکی از مباحث مهم و قابل توجه در عقود معین می باشد. وکیل به موجب قرارداد یا عرف و یا قانون در برابر موکل تعهداتی دارد و تا زمانی که سمت او باقی است باید مطابق توافق صریح و یا ضمنی این تعهدات را در هر حال با رعایت مصلحت انجام دهد. گاه موکل برای انجام موضوع وکالت اقدام به انتخاب دو یا چند وکیل می کند که اختیار آن ها حسب مورد استقلالی و یا اجتماعی می باشد و هم چنین ممکن است وکیلی با داشتن اختیار تفویض وکالت و یا بدون داشتن حق توکیل موضوع وکالت را به دیگری تفویض کند.

حال در این مقاله ضمن تبیین وظایف و اختیارات وکیل، حدود مسئولیت وکلای متعدد، در پی آنیم که به بررسی نوع مسئولیت وکلا (اشتراکی-اجتماعی و تضامنی) بپردازیم.

**کلمات کلیدی: عقد وکالت-قرارداد-تعهدات-استقلالی-اجتماعی-تفویض وکالت-حق توکیل**

**مقدمه:**

قرارداد وکالت عقدی است که به موجب آن شخصی به دیگری در انجام بعضی امور نیابت می دهد و او را در انجام کاری برای مثال طرح دعوا در دادگستری نایب و نماینده خود می کند. در دعاوی مدنی هر یک از طرفین دعوا اجازه دارند حداکثر تا دو نفر وکیل به دادگاه معرفی کنند، بنابراین وکلای طرفین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قانون راجع به وکالت در دادگاه ها برای آنان مقرر شده است.

حدود اختیارات یک وکیل دادگستری بسته به نوع کاری که می خواهد انجام دهد (با توجه به پرونده) می باشد.

در فرضی که وکیل از حدود مصلحت و اختیارات خود تجاوز کند و یا نسبت به اموال مورد وکالت مرتکب تعدی و یا تفریط شود، مسئول است، حال ممکن است نسبت به موضوع وکالت، وکلای متعددی نیابت داشته باشند که فروضی قابل تصور است که در این مقاله به آن ها می پردازیم که متأسفانه در قانون به آن توجه چشم گیری نشده است.

**فصل اول: کلیات**

**مبحث اول: معنای لغوی و اصطلاحی مسئولیت**

مسئولیت مصدر صناعی جعلی از مسئول، ضمانت، ضمان تعهد و مواخذه است و در اصطلاح حقوقی تعهد قهری یا اختیاری شخص در مقابل دیگری است (خواه مالی باشد یا غیر مالی) و در حقوق انواع مختلفی دارد از جمله مسئولیت اداری، قراردادی، جزایی، مدنی و .... که جای توضیحات درباره ی آن ها در این مقاله نیست.

**مبحث دوم: اختیارات وکیل**

وظایف و اختیارات وکیل طبق قراردادی است که بین دو طرف منعقد شده است ولی طبق قانون مدنی به طور کلی می توان گفت که:

1-وکیل نمی تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد، در واقع وکیل باید در حدود وکالت اقدام کند.

2-وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل خود را مراعات نماید و از آنچه که موکل به صراحت به او اختیار داده است یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیارات اوست تجاوز نکند.

3-وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد و آنچه که به جای او دریافت کرده است به او رد کند.

به موجب ماده 35 قانون آیین دادرسی مدنی، وکالت در دادگاه ها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثنا کرده و یا توکیل در آن خلاف شرع باشد. اما ضمن همین ماده در اموری مثل اعتراض به رأی، تجدید نظر، مصالحه و سازش، جعل، انکار، تردید، ارجاع به داوری، تعیین کارشناسی، دعوای خسارت و ... باید در وکالت نامه وکیل ذکر شود که موضوع بحث ما نیست (بهرامی، 1392، ص 102).

**گفتار اول: انواع وکالت**

وکالت و دادن نمایندگی و واگذاری و سپردن پرونده و دعاوی و مسائل حقوقی به وکیل در طی عقد قرارداد در انواع و گونه های مختلف است اما در این بخش کوتاه و به زبانی ساده به آن می پردازیم.

**بند اول: وکالت مطلق**

در این نوع وکالت، موکل شخصی را برای همه کارها و دعاوی و پرونده های حقوقی خود وکیل می کند که از این نوع وکالت می توان به وکیل در امور اداری، مالی، دارایی، خرید و فروش و پرداخت هزینه های خانواده و ... اشاره کرد که البته وکالت مطلق به معنی انجام آن امور با خود او نیست بلکه اگر موکل بخواهد با خود وکیل آن معامله را انجام دهد باید تصریح کند.

در وکالت مطلق وکیل حق معامله با خود را ندارد که در واقع این قانون، قانونی برای جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی است. در پایان لازم به ذکر است که اگر خلاف وکالت مطلق عمل شود و یا ضرری متوجه موکل شود، وکیل در مقابل موکل مسئولیت دارد (غریبه، 1385، ص198).

**بند دوم: وکالت مقید موکل**

در این گونه وکالت ها، شیوه وکالت و اختیارات وکیل به گونه ای آشکار، مشخص و روشن است و تنها در همین مواردمعین می تواند دخالت داشته باشد. مانند خرید خانه و یا فروش خودرو و در صورت تعدی و تفریط در حدود و اختیارات وکیل مسئول می باشد.

در وکالت مقید تنها موضوع وکالت باید انجام شود حتی انجام موضوع دیگر هم وکیل مسئولیت دارد، همچنان به عنوان نکته پایانی باید بیان داشت که حق وکالت دادن در توکیل حتماً باید در وکالت نامه ذکر شود.

**فصل دوم: حدود مسئولیت وکلای متعدد و نظریه های راجع به آن**

**مبحث اول: وکلای متعدد**

مطابق ماده 31 ق.آ.د.م هر یک از طرفین دعوا می توانند برای خود حداکثر دو وکیل پایه یک دادگستری انتخاب و معرفی نمایند یعنی در دعاوی حقوقی اصحاب دعوا حق انتخاب دو وکیل را دارند و در امور کیفری نیز مطابق آ.د.م جدید در هر مرحله تحقیقات مقدماتی؛ یعنی، دادسرا، شخص حق دارد حداکثر دو وکیل و در مرحله دادرسی دادگاه حق داشتن سه وکیل را دارند.

پس با موضوعات بیان شده پیش می آید در پرونده ای دو یا سه نفر در موضوعی ثبول وکالت کنند که در این صورت موکل می تواند وکالت را اجتماعی یا انفرادی اعطا کند.

**گفتار اول: وکالت اجتماعی**

گاه وکالت به صورت اجتماعی است که موکل وکالت نامه می دهد که آن دو وکیل با هم به صورت دسته جمعی در خصوص پرونده اقدام کنند و در جلسه دادرسی حاضر گردند، لازم به ذکر است که در صورت وکالت مطلق به دو یا سه وکیل، وکالت جمعی تلقی می شود، که در این صورت مطابق ماده 44 قانون آیین دادرسی مدنی، ارسال لایحه توسط هر دو وکیل یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غائب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد.در این حالت اقدام انفرادی و مستقل هر یک بدون دخالت دیگری در خصوص موضوع وکالت فاقد اعتبار قانونی خواهد بود حتی اگر یکی از وکلا پایه دو باشد و حق اقدام در مرحله فرجامی را نداشته باشد، چون به وکیل دیگر وکالت مستقلاً تفویض نشده، لذا به تنهایی به عنوان وکیل ذی سمت محسوب نمی شود (طاهری، 1389، ص208). لذا در ماده 670 ق.م به این موضوع اشاره شده است[[1]](#footnote-1) (حاتمی، 1387، ص71).

وجه زایل شدن سمت وکیل زنده است که چون اختیار تصرف او محدود به توافق دیگری است با موت یا جنون او، وکالت وکیل دیگر منفسخ می شود (امامی، 1382، ص301) و نمی توان پذیرفت که حاکم برای او وکیل جایگزین انتخاب کند زیرا موکل زنده بوده و خود می تواند اذن به حفظ نیابت دیگری دهد (یزدی، 1338 ق، ص140). ولی خود موکل اگر وکیل دیگری را جایگزین او کند به معنی آن است که می خواهد مجتمعاً کار را انجام دهند (امامی، 1382، ص223).

**گفتار دوم: وکالت انفرادی و استقلالی**

وکالت انفرادی زمانی است که موکل تنها به یک وکیل نیابت دهد اما وکالت استقلالی انتخاب وکلای متعدد و نیابت اعمال آن ها به صورت جداگانه را گویند. در این صورت هر کدام می توانند به تنهایی آن امر را به جا آورد و همانطور که گفتیم اگر در وکالت نامه ذکر نشده باشد که اقدام وکلا به نحو استقلال یا اجتماع است عرفاً بایستی به نحو اجتماع باشد و الّا دلیل نداشت که موکل چند وکیل انتخاب کند و هزینه بیشتری را متقبل شود (حسنی مرادی، 1396، ص8).

در اقدام وکلای مستقل باید بیان داشت که برای آنان 3 حالت متصور است که با ذکر این سه حالت به مسئولیت وکلا می پردازیم.

**بند اول: انجام زودتر موضوع وکالت توسط یک وکیل:** در این حالت، سایر وکلا نمی توانند موضوع وکالت را انجام دهند چون با انجام دادن موضوع وکالت توسط یکی از وکلا، وکالت منتفی می شود.

**بند دوم: دو وکیل به صورت مستقل موضوع وکالت را انجام دهند:** وکیلی که زودتر موضوع را انجام داده عملش صحیح است و عمل وکیل دیگر باطل است چون دیگر موضوعی برای معامله نداشته است.

**بند سوم:هر دو وکیل هم زمان موضوع وکالت را انجام دهند:** عمل هر دو وکیل استقلالی باطل است مگر مفاد معامله هر دو وکیل یکسان باشد که در این صورت دو صحیح می باشد مثل اینکه وکالت مالی باشد و دو وکیل ما را با شرایط عقد و ثمن یکسان به شخص واحدی بفروشند (کاتوزیان، 1392، ص165).

**مبحث دوم: مسئولیت وکلای متعدد (وکیل با حق توکیل و بدون آن)**

قبل از بیان توضیحات لازم به ذکر است که بین مسئولیت وکلای متعددی که حق توکیل به غیر را دارند و آنهایی که ندارند در مسئولیت آنان تأثیر گذار است پس این مبحث را به دو گفتار وکلای متعدد با حق توکیل و بدون حق توکیل تقسیم بندی می کنیم.

**گفتار اول: مسئولیت وکلای متعدد بدون حق توکیل**

اگر وکیل بدون داشتن حق توکیل شخص دیگری را انتخاب کند، آن فرد دچار تقصیر و تخلفی شود، سه نظریه مسئولیت تضامنی-اشتراکی و استقلالی بیان شده است.

**بند اول: مسئولیت تضامنی**

موکل می تواند در این نظریه به هر کدام از وکلا یا هر دوی آنان مراجعه کند و وکیل و ثالث هر دو در برابر موکل منفرداً و مجتمعاً مسئول هستند (عابدی، اکبرپور سکه، 1395، ص 5).

مبنای این نظریه رابطه سببیت است که می گوید هر گاه اسباب متعدد در ایجاد ضرر دخالت داشته باشند هر سبب علت کل خسارت است زیرا دخالت آن ضروری و بدون آن خسارت ایجاد نمی شد (تفرشی و همکاران، 1386، ص204). در ماده 24 ق.م.م نیز مسئولیت تضامنی پذیرفته شده است، در واقع وکیل حق توکیل نداشته و از حدود اختیارات خارج شده پس ید امانی او به ضمانی تبدیل می شود و هم چنین ثالث نسبت به مال موکل بیگانه بوده و تصرف غیرقانونی مال نیز ید ضمانی را برای ثالث پدید آور شد (کاتوزیان، 1382، ص485).

**بند دوم: مسئولیت اشتراکی و مساوی**

در این نظریه مسئولیت به طور مساوی در ورود ضرر نقش داشته اند، پیروان این نظریه معتقدند همه به صورت یکسان مسئول جبران هستند حتی اگر قوای این اسباب یکسان نباشد (امام خمینی، 1366،ص89). شیخ طوسی معتقد است اگر دو کشتی با یکدیگر برخورد کنند و کشتی ها و مسافران منهدم شوند یا این فرض که تصادم قابل انتساب به هر دو ناخدا باشد هر کدام مسئول نصف خسارت وارد شده می باشد (شیخ طوسی، 1387،ص169 و 168)، علاوه بر فقها دکترین نیز مسئولیت اشتراکی اسباب متعدد را پذیرفته اند.

**بند سوم:مسئولیت استقلالی**

در این نظریه هریک از مسئولان به تنهایی مسئول ضرر می باشد، مبنای این مسئولیت استقلال اشخاص است که هر شخص مسئول اعمال خودش می باشد (باریکلو، 1388،ص242).

این نظریه منطبق با اصول و عدالت است، در ماده 526 قانون جدید مجازات اسلامی نیز این نظریه با صراحت بیشتری پذیرفته شده است.[[2]](#footnote-2) در واقع به نظر می رسد اگر موضوع وکالت انجام عملی باشد و وکیل بدون حق توکیل انجام آن را به ثالث واگذار کند و ثالث مطابق دستور وکیل اول آن را انجام داده باشد، فقط شخص ثالث که عامل مستقیم است مسئول است، پس می توان گفت باید به عامل زیان توجه داشت.

**گفتار دوم: مسئولیت وکلای متعدد در صورت داشتن حق توکیل**

اصل بر تفویض این وکالت است و وکیل اول معمولاً باقی می ماند مگر موکل تصریح به زوال وکالت اول کند (باریکلو، 1388، ص 244). توضیحات این گفتار را می توان به انتخاب دو یا چند وکیل هم زمان از سوی موکل نیز تسری داد، زیرا در این نظریه هم دو بحث مورد توجه است یکی اینکه موکل می خواهد وکیل اول، تنها وکیلی انتخاب کرده و وکالتش پایان یابد و دوم وقتی موکل وکیل را با حق توکیل انتخاب می کند، قصد ندارد اختیار انجام موضوع وکالت را وکیل اول از دست بدهد، که این موضوع بحث ما است.

**بند اول: مسئولیت استقلالی**

وقتی وکیل اول با حق توکیل، وکیلی را بر می گزیند و او دچار تقصیر شود، وکیل اول مسئولیتی ندارد مگر اینکه وکیل اول موضوع وکالت را به شخص مناسبی تفویض نکرده باشد که در این صورت مسئول است (کولن و کاپیتان، ش1358، به نقل از کاتوزیان، 1392، ص168).

**بند دوم: مسئولیت تضامنی**

ممکن است وکیل دوم مرتکب تقصیر شود و به موکل اصلی خسارت وارد شود که این نشان از تقصیر وکیل اول و انتخاب وکیل بوده که بدین معناست که محتاط و خوب عمل نکرده است، بنابراین سبب و مباشر در ورود ضرر مشارکت دارند و هر دو متضامناً مسئول می باشند.

**بند سوم: مسئولیت اشتراکی**

اگر وکیل اول موضوع را تفویض کند اما مشترکاً انجام دهند و تخلف کنند، مسئولیت مساوی در قبال موکل دارند و هر یک باید نیمی از خسارت را جبران کنند، اگر تأثیر عمل یکی بیشتر باید، در این صورت به میزان تأثیر مسئول خواهند بود (پلنیول و ریپرو ساواتیه، ص 906، به نقل از کاتوزیان، 1392، ص 162).

**مبحث سوم: مسئولیت وکلای متعدد استقلالی و اجتماعی**

**گفتار اول: وکلای استقلالی**

همانطور که در توضیح وکالت استقلالی بیان شد سه حالت پدید می آمد که در حالت اول یعنی زمانی که یکی از وکلا موضوع وکالت را انجام دهد، موضوع وکالت از بین رفته و تنها او مسئول است، در حالت دوم یعنی زمانی که هر دو وکیل به صورت مستقل انجام دهند وکیلی که زودتر وارد عمل شد مسئول است زیرا وکیل متأخر موضوع وکالتش از بین رفته است و در حالت سوم یعنی زمانی که هر دو وکیل هم زمان انجام دهند، عمل هر دو باطل و در برابر موکل هیچ مسئولیتی ندارند (کاتوزیان، 1392، ص162).

**بند اول: اقدام مشترک وکلای استقلالی**

اگر مشترکاً کاری را انجام دهند در قبال موکل، مشترکی مسئولیت دارند و موکل برای دریافت نیمی از خسارت به هر یک از وکلا می تواند رجوع کند.

**گفتار دوم: وکالت اجتماعی**

در این نوع وکالت اگر یکی از وکلا به صورت مستقل عمل کند موجب مسئولیتش می شود، چون موکل همکاری آنان را اساس انتخاب وکلای متعدد قرار داده است تا منافع خویش را حفظ کند.

**بند اول: مسئولیت اشتراکی**

این نوع مسئولیت یا به صورت مساوی است یا به نسبت تأثیر در مسئولیت مساوی هر یک از مسئولان باید یک قسمت مساوی از کل را پرداخت کند و ملاک تعیین سهم هر از مسئولان تعداد آن هاست (mazeaud ، 1970، p623، به نقل از شرافت پیما، 1392، ص82).

برخی به این نظریه ایراد وارد کردند که چرا میزان تءثیر در نظر گرفته نشده است و قائل به تقسیم خسارت نسبت به تأثیر عادلانه شدند، حتی محقق در ماده 526 مسئولیت مساوی مسئولان متعدد را پذیرفته است مگر اینکه تأثیر عمل مسئولان متفاوت باشد که در این صورت به نسبت تأثیر عمل یا به نسبت تقصیر خود در برابر زیان دیده مسئولیت دارند. این نظریه با عدالت بیشتر سازگاری دارد.

**بند دوم: مسئولیت تضامنی**

بعضی از حقوقدانان معتقدند چون مسئولان با هم باعث ورود ضرر به زیان دیده شدند و این مسئولیت غیر قابل تجزیه است، زیان دیده برای دریافت همه خسارت خود می تواند به هر یک از مسئولان یا همه مسئولان رجوع کند زیرا حق زیان دیده در این نظریه بیشتر تضمین می شود (کاتوزیان، 1391،ص486 و 488)، در واقع مبنای این نظر مسئولیت قهری است که آن را از مسئولیت قراردادی جدا کرده و تقصیر را عامل ورود ضرر می داند که چنین مبنا و تفکیکی در حقوق ایران جایگاهی ندارد (هاشمی، 1392،ص5). اما همچنان در قانون مدنی برخی از استادان معتقدند که چون وکلا اعمال را به صورت دسته جمعی انجام داده اند بنابراین در مقابل موکل مسئولیت تضامنی دارند اما ایراد وارده به آن این است که زمانی وکلای متعدد مسئولیت تضامنی دارند که ید آنان بر مال موضوع وکالت ید ضمانی باشد، در صورتی که وکلای اجتماعی حق تصرف مال موضوع وکالت را دارند، دیدشان به مال امانی است نه ضمانی.

**نتیجه گیری:**

عقد وکالت یکی از عقود اذنی است که به لحاظ ماهیت خاص آن از اهمیت فراوانی برخوردار است، توکیل به غیر معمولاً موجب حذف وکیل اول نمی شود که در واقع بدین معناست که موکل دو وکیل انتخاب کرده باشد، در فرضی که وکالت اجتماعی داده شود باید مشترکاً موضوع وکالت را انجام دهند و در صورت ورود خسارت همه مسئول اند اما بین اینکه مسئولیت آنها تضامنی است یا اشتراکی هر کدام این نظریه ها پیروان خود را دارد اما مسئولیت اشتراکی با عدالت سازگار تر است، که هریک به میزان تأثیر مسئول باشند و در صورت مشخص نبودن آن به صورت مساوی مسئول خواهند بود.

در فرضی که وکالت استقلالی است، هر یک مستقلاً مسئول هستند، مگر یکی از وکلا زودتر از وکلای دیگر موضوع وکالت را انجام دهد که در این صورت تنها همان وکیل مسئول است مگر مشترکاً عملی را انجام دهند که مشترکاً مسئول بوده و موکل برای دریافت نیمی از خسارت به هر یک می تواند مراجعه کند.

**منابع:**

1-امامی،سید حسن، **حقوق مدنی**، **ج1**، انتشارات اسلامی، 1382.

2-امامی، سید حسن، **حقوق مدنی، ج2**، انتشارات اسلامیه، 1389.

3-باریکلو، علیرضا، **حقوق مدنی 7، عقود معین 2، عقود مشارکتی، توثیقی و غیر لازم**، تهران، انتشارات مجد، چ1، 1388.

4-بهرامی احمدی، حمید**، کلیات عقود و قراردادها، حقوق مدنی 3**، چ9، میزان،1392.

5-تفرشی، محمد عیسی، شرافت پیما، محمدرضا، صادقی، محمود، **تأثیر همراهی قوه قاهره یا تقصیر خوانده بر مسئولیت مدنی**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره 11،ش4، 1386.

6-حسینی مرادی، آمنه،**عزل و فوت یکی از وکلا در فرض اجتماع**، مقاله، 1396.

7-حاتمی، علی اصغر، رودیجانی، محمد، **بررسی تطبیقی قوه قاهره**، ش 23، 1387.

8-خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله، ج2**، قم، انتشارات دارالعلم، 1366.

9-شرافت پیما، محمدرضا، **تقسیم خسارت میان مسئولان متعدد در مسئولیت قهری**، پژوهش های تطبیقی، دوره 17، ش1، 1392 (mazeaud، 1970)

10-شیخ طوسی**، المبسوط**، ج7، 1387، به نقل از عابدی، محمد، **معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی بر تأکید مسئولیت مدنی اسباب و عوامل تعدد**، 1392.

11-طاهری، حبیب الله، **حقوق مدنی، ج4**، دفتر انتشارات اسلامی، 1389.

12-عابدی، محمد، اکبرپورسکه، سمیه، **مسئولیت وکلای متعدد**، مقاله، زمستان 1395.

13-غریبه، علی، **قابلیت عزل وکیل با واسطه در وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر**، فصلنامه علامه، دوره 2، ش9، 1385.

14-کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی، الزام خارج از قرارداد، ضمان قهری**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ3، 1382.

15-کاتوزیان، ناصر، **دوره حقوق مدنی عقود معین-اذنی-وثیقه های دین، ج4**، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ7، 1392.

16-کاتوزیان،ناصر،دوره **حقوق مدنی،عقود معین،ج4**،تهران،شرکت سهامی انتشار، چ7، 1391.

17-کولن و کاپیتان، ج2، ش 1385، پلنیول و ریپرساواتیه، به نقل از کاتوزیان، ناصر، **دوره حقوق مدنی، عقود معین، ج4**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ7، 1392.

18-هاشمی، سید احمد علی، **اسباب متعدد در مسئولیت مدنی**، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره 2، ش 2، 1392.

19-یزدی، سید محمد کاظم، **محلقات عروه الوثقشی**، ج2، 1338ق.

20-www.vakilmadafemag.ir

21-www.arinlaw.ir

22-www.noormags.ir

1. ماده 670 ق.م: در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند، به موت یکی، وکالت دیگری نیز باطل می شود. [↑](#footnote-ref-1)
2. ماده 526 ق.م.ا: هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. [↑](#footnote-ref-2)